بسم الله الرحمن الرحیم

خبر واحد

بحث انسداد

تنبیهات انسداد

استاد آیت الله عندلیب همدانی

جلسه دویست و چهاردهم\_13 مرداد 1400

[ادامۀ تبیین کلام شیخ]

مجموع فرمایش مرحوم شیخ که در حقیقت عصارۀ آن­چیزی که تا آن زمان دربارۀ جبران ضعف سند یک روایت ضعیفه، به وسیلۀ عمل مشهور مجموع کلمات شیخ نشان می­دهد که دو راه اساسی برای اثبات این مدعا بیان شده است، یکی این­که خبر ضعیف منجبر به عمل اصحاب را از این راه تصحیح کنیم که وقتی عمل اصحاب به ظن به خبر ضعیفی ضمیمه شد، ظن به صدق خبر پیدا می­کنیم، پیش از ضمیمه شدن عمل اصحاب به یک خبر ضعیف، ظن به صدق خبر نداریم، با آمدن عمل مشهور، ظن به صدق خبر پیدا می­کنیم، اگر این راه تصحیح شود، نتیجه­اش حجیت خبر ضعیف منجبر است، از باب ظن مطلق.

راه دوم، این که بگوییم خبر ضعیف منجبر به عمل اصحاب از ظنون خاصه است، حال آن­هایی که خواسته­اند خبر ضعیف منجبر را از ظنون خاصه بگیرند، برخی تمسک به اجماع بر حجیت آن کرده­اند. برخی از راه منطوق آیۀ نبأ پیش آمده­اند. عده­ایی از راه اثبات حجیت برای خبر منجبر از طریق مقبولۀ عمر بن حنظله و مرفوعۀ زراره پیش آمده­اند.

پس مجموعا در طریق و راه دوم سه بیان هست، یک بیان هم که راه اول بود، نتیجه این می­شود که چهار بیان برای اثبات اعتبار برای خبر ضعیف منجبر بیان شده، که یک راه نهایتش اعتبار این خبر از باب ظن مطلق است، و راه دوم با هر سه بیانش، اعتبار خبر ضعیف است، در صورت انجبار، از باب ظنون خاصه.

شیخنا الاعظم در همۀ این طرق و بیان­ها مناقشه دارد. اگر راه حل اول را بپیماییم بگوییم اگر خبر ضعیف بود و مورد عمل نبود، ما ظنی به صدق خبر نداریم، نهایتا ممکن است وهمی داشته باشیم. اما با عمل مشهور ظن به صدق خبر حاصل می­شود، از فرمایش شیخ اعظم رضوان الله تعالی علیه دو اشکال بر ان راه استفاده ­می­شود:

اشکال اول این­که شما به ضرس قاطع فرمودید هر جا عمل مشهور آمد، ظن به صدق خبر پیدا می کنیم، این ادعای عام نه تنها دلیلی ندارد، بلکه می­توان گفت مواردی داریم، که اتفاقا عمل مشهور هست، ولی ظن به صدور این خبر محقق نشده است، نهایتا ظن به صدور حکمی است مطابق مضمون خبر، و این چنان­که دیروز هم عرض شد، غیر از ظن به صدور همین خبر است بالخصوص، ما دنبال ظن به صدور حکمی از شارع مطابق با مضمون خبر نیستیم، آن­چه برای ما مهم است که اگر حاصل شود از طریق انسداد می­توانیم بدان عمل کنیم، خبری است که خود این خبر در اثر عمل مشهور، ظن به صدورش پیدا کنیم، نه این­که ظن به صدور حکمی از طرف شارع که نهایتا مطابق باشد با مضمون خبر. این به معنای جبر نیست. جبر اگر درست شود، یعنی عمل مشهور باعث شود، ظن به صدور ذلک الخبر حاصل شود. این اشکال اول شیخ.

اشکال دوم، شما گفتید به وسیلۀ عمل مشهور باعث می­شود خبر ضعیف ظن به صدورش پیدا کنیم، گویا همین که ظن به صدورش پیدا کنیم، علی جمیع المبانی، خبر ضعیف منجبر معتبر می­شود، در حالی که نهایتا اگر این بیان درست شود، که دیدیم نمی شود، و اشکال اول به همین جهت بود، اما نهایتا اگر هم درست شود، برای کسانی است که معتقد هستند خبر مظنون الصدور مطلقا معتبر است و حجت.

مثلا اگر راوی یک خبر سنی و ضعیف بود، آیا به وسیلۀ عمل مشهور، این روایت ضعیفة السند را ظن به صدورش هم پیدا کنیم، همه می­گویند این روایت حجت شده ­است؟ خیر. عدۀ زیادی از بزرگان ما در راوی معتبر می­دانند ایمان و تشیع را، این­ها حتی روایت صادر شدۀ از راوی سنی­ایی که تصریح به وثاقتش شده باشد، و نامش موثقة باشد، نمی­کنند، می­گویند تمام روات باید امامی ثقه باشند، می گویند ما فقط به صحاح عمل می­کنیم، نه به روایات موثقه با این­که شک و ریب و تردیدی نیست که خبر موثق افادۀ ظن دارد، ببینید روایتی با این که افادۀ ظن دارد، از درجۀ اعتبار ساقط است. پس معلوم می­شود همۀ آقایان **لا یقولون بحجیة الخبر مظنون الصدور مطلقا.**

پس اول اساسا همه جا از عمل مشهور ظن به صدور حاصل نمی­شود. ثانیا اگر هم حاصل شود، علی بعض المبانی غیر المشهور این بیان مفید است و إلّا بر بیان مشهور بر مبنای جل بزرگان شیعه، هر خبر مظنون الصدوری حجت نیست، اگر بنده بخواهم هر دو اشکال شیخ را، با یک بیان ترکیب کنم، به تعبیر خودم این­طور عرض می کنم که شما به ضرس قاطع گفتید همین که خبر آمد و عمل مشهور هم بود کافی است چون این عمل مشهور ظن به صدور خبر می آورد در حالی که نهایتا اگر این مطلب درست شود فقط در بعض از مبانی غیر مشهور بین علماء است، آن هم فقط در موارد نادری اتفاق می­افتد.

پس این برهان فقط در بعضی از مبانی غیر معروف، آن هم در موارد بسیار نادر نتیجه خواهد داد و الّا نه اکثر علماء چنین مبنایی دارند که ظن به صدور کافی است، و نه اکثر موارد ظن به صدور حاصل می­شود، ما موارد کمی نداریم که عمل مشهور هست، ولی ظن به صدور این خبر بالخصوص نیست، ما تعداد زیادی از علماء داریم که اساسا ظن به صدور خبر را کافی نمی­دانند. حال با وجود این بمنا از طرف جل علماء و با وجود این­که این مبنا موارد بسیار نادری مورد پیدا می­کند، شما چرا به ضرس قاطع کأنّ برای همه نسخه می­پیچید که وقتی عمل شمهور ضمیمه شد، ظن به صدور این خبر حاصل می­شود؟

این جمع بین دو اشکال به بیان بنده است. حال در این­جا چون صحبت از خبر موثق به میان آمد، و گفتیم اکثرا خبر موثق را حجت نمی دانند، **مع انهم لا یرتاب فی افادة الموثق للظن**، به همین مناسبت و در ادامۀ بررسی­ها، نسبت به راه اول برای اثبات اعتبار للخبر الضعیف المنجبر، کسی به دفاع از این راه برخواسته، و می­خواهد این اشکال دوم شیخنا الانصاری را پاسخ دهد به این بیان که بله ما قبول داریم، که جل بزرگان ما، ایمان را، در راوی معتبر می­دانند، ولی معتبر دانستن ایمان در راوی، دو دلیل ممکن است داشته باشد. یکی این که بگوییم نهایتا خبر غیر شیعه افادۀ ظن هم داشته باشد باز کافی نیست و ما افادۀ ظن را کافی در اعتبار خبر نمی دانیم. چون مبنای ما این چنین است، خبر موثق را حجت نمی­دانیم اما ممکن است ما از بیان و دلیل دیگری برای عدم اعتبار خبرضعیف منجبر استفاده کنیم و اگر از این راه پیش بیاییم دیگر شما نمی­توانید به این نظر مشهور استشهاد کنید، به این که جل بزرگان صرف افادۀ ظن را در اعتبار خبر کافی نمی­دانند، و آن راه این است که بگوییم دلیل خاص داریم بر اعتبار ایمان در راوی. دلیل خاص داریم بر عدم حجیت خبر موثق. نه از این راه که ولو افادۀ ظن هم داشته باشد، افادۀ ظن کافی نیست. خیر دلیل خاص داریم.

منطوق آیۀ نباء. آیۀ نبأ منطوقش می­گوید **ان جائکم فاسق بنبأ فتبینوا**، کسی که امامت را معتقد نیست، هذا فاسق و لو راستگو هم باشد، کاری نداریم این بیان درست است یا نادرست، آن­ها که می­گویند خبر موثق حجت نیست، نه از این جهت است که و لو افادۀ ظن دارد، افادۀ ظن را کافی نمی­دانند، بلکه به دلیل وجود دلیل خاصی به نام منطوق آیۀ نبأ است. لذا جناب شیخ از نظر این­ها استکشاف نکنید که این­ها خبر مظنون الصدور را حجت نمی­دانند مطلقا. نه این­ها اگر گفته­اند خبر موثق حجت نیست، نه از این باب است که خبر مظنون الصدور را حجت نمی­دانند، از باب وجود دلیل خاصی به نام منطوق آیۀ کریمۀ نبأ است و یا از راه تمسک به این حدیث شریف. «**لا تأخذن معالم دینک من غیر شیعتنا**» آنها از این راه وارد شده است. نه از باب عدم حجیت خبر مظنون الصدور. پس چه بسا بزرگان ما بگویند ما خبر مظنون الصدور را حجت می­دانیم و اگر خبر موثق را حجت نمی­دانیم، نه از این جهت است که خبر مظنون الصدور، لا حجت است، نه این­جا از باب دلیل خاصی به نام منطوق آیۀ نبأ یا این روایت است. پس جناب شیخ چرا از صرف نظر این اعاظم بر عدم حجیت خبر موثق می­خواهید کشف کنید که این­ها اعتباری برای ظن به صدور قائل نیستند؟ چه بسا این­ها به کبرای اعتبار ظن به صدور معترف باشند، ولی در خبر موثق دلیل خاصی دارند بر عدم اعتبارش.

حال مرحوم شیخ این پاسخ مهم را در جلسۀ آینده باید پاسخ بدهد.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله و سلم.